



## بررسی قلمرو شهر اهواز با رویکرد اکولوژی و توسعه فضای سبز شهری

### بهمن بهادری

دانشجوی دکترا، جغرافیا، برنامه ریزی و مدیریت و شهری، دانشکده زمین شناسی و ژئومورفولوژی، دانشگاه ملی ایروان (ارمنستان)  
B.Bahadori88@gmail.com

### ولادیمیر بویناگریان

دانشیار، جغرافیا، ژئومورفولوژی - کارتوگرافی، جغرافیا، دانشکده زمین شناسی و ژئومورفولوژی، دانشگاه ملی ایروان (ارمنستان)  
vboynagryan@ysu.am

### چکیده

سازمان پارکها و فضای سبز شهری از سازمان‌های متبوع شهرداری وظیفه خطیر مطالعه، طراحی، اجرا و حفظ و نگهداری از فضای سبز شهری را در شهرهای بزرگ عهده‌دار است. اما به نظر می‌رسد برای دستیابی به این اهداف مدیریت شهری امروز در شهرهای بزرگ از جمله اهواز دیگر قادر نخواهد بود با روش‌های سنتی و معمول گذشته در ارائه خدمات یک سویه موفقیتی حاصل کند در نتیجه به یک ابزار قوی، جامع و تنظیم کننده نیاز است تا به این تمایلات به خوبی پاسخ داده شود. محققان عقیده دارند که این ابزار قوی برنامه‌ریزی مشارکتی است به علاوه اعتقاد بر این است که با مشارکت شهروندان در طرح‌ها می‌توان موفقیت طرح‌ها را تضمین نمود. در این مقاله روش توصیفی با رویکرد تحقیق ارزشیابی و با استفاده از نظریات معتبر مشارکت و جهت‌دار در زمینه مدیریت شهری بحث شده و در پی آن تحلیلی فراخور با بضاعت مقاله در زمینه بررسی وضعیت فضای سبز کلانشهر اهواز و سبک و سیاق مشارکت مردم در عرصه فضای سبز شهری و چگونگی راه‌های سپردن امور مربوطه به ایشان، نتایج کاربردی استخراج گردیده است. تشویق ساکنان محلات به تشکیل گروه‌های دوستدار طبیعت (همیاران سبز) و تعامل با نمایندگان سازمان پارکها و فضای سبز شهری برای در دست گرفتن امورات مربوط به فضای سبز و استفاده از مشارکت‌جویان محلات برای سرمایه‌گذاری، کار اجرایی و نگهداری از این عرصه‌ها با برنامه‌ریزی و پیشنهاد ایشان می‌تواند راهکارهایی برای بهبود کیفیت فضای سبز شهر باشد.

**واژگان کلیدی:** شهرداری، فضای سبز، مدیریت، اکولوژی، کلانشهر اهواز

## مقدمه

برای حفاظت از اکوسیستم‌های مناطق شهری، فراهم آوردن کارکردهای اکولوژیکی و پایداری توسعه انسانی، مدیریت فضای سبز در مناطق شهری به هدف بسیار مهمی تبدیل شده است (Lay Ong, 2003). همچنانکه محیط سالم و جمعیت سالم از پیش‌زمینه‌های توسعه پایدار هستند، ارتباط غیر قابل انکاری بین انسان و محیط وجود دارد (حسینی و دیگران، ۱۳۷۸). از دیدگاه توسعه پایدار، فضای سبز با اثرات اکولوژیکی خود وظایف بسیار مهمی در خلق پایداری یک شهر ایفا می‌نماید (Altunkasa and Uslou, 2004). سازمان پارکها و فضای سبز شهری از سازمان‌های متبوع شهرداری اهواز وظیفه خطیر مطالعه، طراحی، اجرا و حفظ و نگهداری از فضای سبز شهری را عهده دار است. اما به نظر می‌رسد برای دستیابی به این اهداف مدیریت شهری امروز در شهرهای بزرگ دیگر قادر نخواهد بود با روش‌های سنتی و معمول گذشته در ارائه خدمات یک سوبیه موفقیتی حاصل کند. اگر ما به فرضیه رشد جمعیت توجه کنیم افزایش نیاز برای زیرساخت‌ها و زیربنای امری انکار ناپذیر است که در پرتو این افزایش جمعیت، تمایل به استفاده از فضای سبز نیز افزایش می‌یابد (سپهوند و دیگران، ۱۳۸۹) در نتیجه ما به یک ابزار قوی، جامع و تنظیم کننده نیاز داریم تا به این تمایلات به خوبی پاسخ دهیم. این ابزار قوی برنامه‌ریزی مشارکتی است (Von Haaren, 2002). بر اساس قوانین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و همچنین رهیافت‌ها و راهبردهای توسعه روستایی در برنامه سوم که در آن توسعه پایدار منابع طبیعی با استفاده از مشارکت مردمی مورد تأکید قرار گرفته است که تأییدی بر این ادعاست (بی‌نام، ۱۳۷۸). همچنین در این زمینه اجلاس جهانی توسعه پایدار که سال ۲۰۰۲ در ژوهانسبورگ برگزار شد نیز اساس توسعه پایدار را اداره صحیح محیط‌زیست مناسب، سیاست‌های درست اقتصادی و اجتماعی نهادهای مردم‌سالار و پاسخگو به نیاز مردم، حاکمیت قانون، مبارزه با فساد، تساوی جنسیتی و محیطی مستعد برای سرمایه‌گذاری قلمداد کرد (بیران، ۱۳۸۲). بانک جهانی در دستورالعمل اجرایی خود عنوان می‌کند: مشارکت عنصری اساسی در پایدار نمودن برنامه‌های ارتقای سلامت است (بی‌نام، ۱۹۹۴). کارشناسان منابع توسعه معتقدند که امروزه علاوه بر منابع متداول از قبیل سرمایه، امکانات و نهادهای فیزیکی، نهاده جدیدی تحت عنوان انسان در فرآیند توسعه نقش بسیار مؤثر ایفاء می‌نماید. بدیهی است اگر بتوان این منابع را در طرح‌ها و برنامه‌ها دخالت مؤثر داد ضمانت بزرگی برای موفقیت و کارایی مورد انتظار این طرح‌ها و برنامه‌ها بوجود می‌آید. زمینه این حرکت نیز مشارکت مردم در مراحل و بخش‌های مختلف زایش فکر و اندیشه طراحی، اجرا، اصلاح، حفظ و نگهداری آن می‌باشد (ایران منش و دیگران، ۱۳۸۵). امروزه در جهان فرآیند مشارکت مردمی در سطح برنامه‌ریزی و مداخله اجرایی به مؤثرترین شکل خود رسیده است.

## بیان مسئله

رشد بی رویه شهر اهواز در دهه های اخیر و تغییر ساختار اکولوژی سیمای سرزمین آن، اختلاف ساختاری مهمی را در سیمای طبیعی و شهری به دنبال داشته که از آن جمله می توان به خرد شدن پهنه های فضای سبز و عدم ارتباط بین فضاهای سبز و باز و غیره اشاره کرد. از آن جایی که این عناصر مزایایی زیست محیطی برای یک شهر ایجاد می نمایند، تخریب آنها موجب تغییر عملکرد و برهم خوردن تعادل اکولوژیکی شهر خواهد شد (بهادری، ۱۳۹۵). تعیین الگوی بهینه برای صیانت از ارزش های زیست محیطی و فضای سبز شهری در کشور نیازمند نگرش های توسعه ای مشارکتی در سطح ملی و استانی است که می تواند گامی بنیادین در توسعه پایدار به شمار آید (مطیع حق شناس، ۱۳۸۵). مشارکت در حفظ و نگهداری از فضای سبز و مناظر شهری از جایگاه ویژه ای برخوردار است و می توان با توجه به فلسفه وجودی انسان، شهر و زندگی ضمن تقویت همیاری، ایجاد تحول و ارتقاء سطح دانش، بینش و مهارت، کنترل آسیب های فضای سبز توسط شهروندان نقش اساسی در روند

این مهم ایفا نماید (فیاض مهر، ۱۳۸۵). بارها در سطح گسترده‌ای این واقعیت مورد تأکید قرار گرفته است که فضای سبز شهری در صورتی که مفهوم مشارکت مردمی در ساختار، شکل‌گیری، حفاظت و نگهداری از آن لحاظ نشود با اجتماع همزیستی نخواهد داشت. با استناد بر پژوهش‌های پیشین می‌توان دریافت که تصورات غلطی درباره مشارکت وجود دارد که بیشتر به صورت یک قاعده دولتی تصور می‌شود و اگر این ذهنیت اشتباه فرهنگ‌سازی صحیح شود باز هم امکان ورود سازمان یافته شهروندان در پذیرش مسئولیت شهری در سطوح مشارکت در اندیشه، اظهار نظر، پیشنهاد، تصمیم‌گیری برنامه‌ریزی و اجرا، نظارت بر پروژه‌های شهری با موانع بسیاری مواجه است که فرصت صعود شهروندان از پلکان مشارکت را محدود می‌سازد (مصطفی پور، ۱۳۸۵). مشارکت و تشویق مردم برای توسعه و تقویت آن به حدی مورد توجه در جوامع جهانی است که کنفرانس جهانی اصلاحات اراضی و عمران روستایی که در سال ۱۹۷۹ توسط فائو تشکیل گردید مزیت مشخص رهیافت مشارکتی را به صورت کاملاً بسیطی تبیین نمود (ایران منش و دیگران، ۱۳۸۵ الف). بی‌تردید هرگونه سیاست‌گذاری در توسعه فضای سبز شهری بدون در نظر گرفتن نقش شهروندان و همچنین دیگر دست اندرکاران شهری نتیجه بخش نخواهد بود زیرا شهروندان که کارگزاران طرح توسعه شهری هستند می‌توانند نقش تخریبی و یا اصلاحی را در فضای سبز شهری ایفا نمایند (فیاض مهر، ۱۳۸۵). متأسفانه به نظر می‌رسد استفاده‌کنندگان از فضای سبز شهری نه تنها آمادگی مشارکت در امر حفظ و نگهداری از فضای سبز شهری را ندارند بلکه بسیاری از عوامل آسیب‌زای فضای سبز توسط آنان گزارش گردیده است. با اینک با توجه به هزینه‌گزافی که شهرداری برای حفظ و نگهداری از فضای سبز شهری متحمل گردیده است لزوم مشارکت شهروندان جهت همکاری در سرسبزی این شهر و جلوگیری از آسیب‌های وارده به فضای سبز شهری بیش از پیش آشکار شده است به عبارت دیگر در صورت تشویق جامعه به مشارکت در فرآیند به‌سازی محیط چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی حل چالش‌های مرتبط با آن بسیار کارساز خواهد بود (سپهوند و دیگران، ۱۳۸۹). کلان شهر اهواز طی چند دهه اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است و بدون در نظر گرفتن نیاز شهروندان به فضای سبز گسترش شتابانی یافته است، با توجه به مسائل فوق بررسی فضای سبز بر اساس سرانه و توزیع و مکان‌یابی مناسب آن و مقایسه آن با سرانه قابل قبول ایران و سرانه پیشنهادی استان و شهر اهواز و محاسبه نیاز واقعی شهر براساس ویژگی‌های خاص طبیعی و اجتماعی آن می‌تواند حائز اهمیت فراوان باشد (احمدی و دیگران، ۱۳۹۰).

## روش پژوهش

در این مقاله با استفاده از روش توصیفی با رویکرد تحقیق ارزشیابی و مقایسه وضعیت کمی و کیفی و سرانه فضای سبز شهری اهواز بین سالهای ۱۹۷۳ تا ۲۰۱۳ م و همچنین با استفاده از نظریات معتبر مشارکتی و جهت‌دار در زمینه مدیریت شهری بحث شده و در پی آن تحلیلی فراهور با بضاعت مقاله در زمینه وضعیت فضای سبز و بهبود آن با سبک و سیاق مشارکت مردم در عرصه فضای سبز شهری و بویژه فضای سبز شهری اهواز، چگونگی راه‌های سپردن امور مربوطه به ایشان، نتایج کاربردی استخراج گردیده است.

## فایده و هدف پژوهش

هدف این پژوهش تدوین خط‌مشی سازمان پارکها و فضای سبز شهری شهرداری اهواز در جلب مشارکتهای مردمی است.

## ادبیات پژوهش

### تعاریف مشارکت شهروندان

کمیسون اسکفینگتون<sup>۱</sup> در بریتانیا، مشارکت شهروندان را چنین تعریف می‌کند: مشارکت به نظر ما سهمین شدن مردم در تدوین سیاست‌ها و پیشنهادهاست. دادن اطلاعات از طرف مسئولان و امکان اظهار نظر در مورد آن اطلاعات بخش مهمی از فرآیند مشارکت به حساب می‌آید اما این مطلب تمام ماجرا نیست. مشارکت کامل تنها در جایی تحقق می‌یابد که مردم بتوانند نقش فعال در فرآیند تهیه طرح عهده گیرند (برک پو، ۱۳۷۷). از نظر بانک جهانی مشارکت فرآیندی است که از طریق آن بهره‌وران کنترل خود را بر روند برنامه‌های توسعه و تصمیمات و منابعی که مرتبط با برنامه است با هم تقسیم می‌کنند.

### سیر تاریخی مشارکت

تاریخ حیات انسان تاریخ همکاری و مشارکت است. زمانی که نخستین بار انسان دریافت که می‌تواند با تجمیع توان خود بر مشکلات فائق آید مشارکت زاده شد. دموکراسی آتن تبلور خواست شهروندان در تعیین سرنوشت خود بود. از انباشت تجربه تاریخی بشر مشارکت در مفهوم امروزی خود متبلور شد (Halla, 2005). امروزه مشارکت در بستر جامعه‌ای دموکراتیک و مدنی صورتی نهادمند به‌خود می‌گیرد. در جامعه مدنی تشکلهای مستقل از دولت در شرایط برابر و برخوردار از اطلاعات و امکانات مساوی زمینه مشارکت افراد در امور مربوط به خودشان را فراهم می‌سازد.

### تقسیم‌بندی مشارکت

هرچند که جوهره اصلی مشارکت همکاری است اما انواع آن بر حسب ملاک‌های متعددی طبقه‌بندی می‌شود که از لحاظ موضوعی، مشارکت شامل مشارکت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و از لحاظ چگونگی دخالت مردم در امور، مشارکت به مشارکت مستقیم (دموکراسی مشارکتی) و مشارکت غیرمستقیم (دموکراسی نمایندگی) تقسیم، و از لحاظ سطوح اجرایی، مشارکت شامل مشارکت محلی، مشارکت منطقه‌ای، مشارکت ملی و از لحاظ کیفیت دخالت مردم در امور شامل مشارکت ارادی و اجباری و مشارکت برانگیخته و خود انگیخته می‌گردد (پناهی و یزدان‌پناه، ۱۳۸۳).

### اهمیت مشارکت مردمی

اهمیت فعالیت‌های گروهی در زمینه‌های مختلف از جمله کشاورزی، مدیریت منابع طبیعی و برنامه‌های توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه به اثبات رسیده است. توسعه ملی در کشورهای جهان سوم بیش از هر چیز به مشارکت فعال و وفاق اجتماعی مؤثر افراد وابسته است. فقدان این مشارکت زمینه برخورد و اختلاف و تضاد را در میان عملکرد بخش‌های مختلف خصوصی و عمومی جامعه فراهم می‌آورد و بخش اعظم منابع کمیاب این کشورها صرف مقابله با عوارض نامطلوب این برخوردها می‌گردد از این رو می‌بایستی هرگونه برنامه‌ریزی و تدوین خط مشی از طرف سیاست‌گزاران و تدوین کنندگان در جهت تقویت و افزایش نقش مشارکت‌های مردمی در فرآیند توسعه، تصمیم‌گیری و واگذاری امور به ایشان باشد. مقبولیت تصمیم‌گیری‌ها در بین احاد مردم دخیل نمودن ایشان در فرآیند تصمیم‌گیری و اجرا را می‌طلبد (مصطفی‌پور، ۱۳۸۵). با دستیابی به این امر دولت‌ها می‌توانند با احاله بخشی از مسئولیت خود به افراد علاوه بر دستیابی به هدف فوق فراغت بیشتری در جهت برنامه‌ریزی داشته باشد و نیز نقش خود را از اجراء تنها به نظارت محدود نماید. برای نیل به این هدف راه حل منطقی همانا مداخله و مشارکت دادن مردم در اجراء و در واقع سپردن کارها به مردم و استفاده از توان اجرایی و اقتصادی آنان است (یعقوبی و همکاران، ۱۳۸۶).

1- Skeffington



## نظریه‌های شهرسازی مشارکتی

نه نظریه اصلی در این بخش عنوان می‌شود، ملاک برای انتخاب این نظریه‌ها نوآوری، ارتباط با موضوع همچنین تأثیرگذاری بر نظریه‌های بعدی است.

### نظریه شری ارنشتاین<sup>۱</sup>

نردبان مشارکت شهروندان توسط شری ارنشتاین (۱۹۶۹) تدوین گردید. او یک توپولوژی از نحوه مشارکت شهروندان ارائه نمود. با توجه به جدول (۱) دو پله اول نشان دهنده فقدان توان شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی است. پله‌های سوم، چهارم و پنجم نشانگر سطح مشارکت اندک<sup>۲</sup> و پله‌های هفتم و هشتم نشانگر تسلط شهروندان است. در عین حال یک برنامه مشارکت عامه که به خوبی طراحی شده باشد برای صعود به پله‌های بالایی نردبان آرنشتاین می‌بایست بر دانسته و مهارت‌های مردم بومی تکیه کنند. این مسئله باعث می‌شود که پایگاهی برای دریافت دیدگاه‌های گوناگون در زمینه مسائل، نیازها، اولویت‌ها و مقتضیات طرح ایجاد شود.

جدول ۱: طبقه‌بندی مشارکت از دید ارنشتاین

	تسلط شهروندان	۸
تسلط شهروندان	تسلط وکالتی (تفویض شده)	۷
	شراکت	۶
مشارکت اندک	تسکین دادن	۵
	مشاوره نمودن	۴
	اطلاع رسانی	۳
محرومیت از مشارکت	درمان	۲
	تمارض (ریا)	۱

مأخذ: (Sherry Arnstein, 1969)

### نظریه اسکات دیویدسون<sup>۳</sup>

اسکات دیویدسون در سال ۱۹۹۸، گردونه مشارکت را در ارتباط با مشارکت شهروندان ارائه نمود. این گردونه سطوح مختلفی از مشارکت را بدون مشخص نمودن رجحان نمایش داده است. ایشان عقیده دارد که تصمیم‌گیری در تعاملی مستمر بین دولت و شهروندان صورت می‌گیرد. بنابراین نظریه یک قالب خاص برای مشارکت وجود ندارد (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۰). سطوح گردونه اسکات دیویدسون عبارتند از: اطلاع رسانی، مشاوره، مشارکت و مقتدرسازی.

1-Sherry Arnstein

2-Tokenism

3-Scott Davidson

### نظریه مشارکت جان ترنر<sup>۱</sup>

در فرآیند تحول نظریات مربوط به نقش مردم و دولت در امر توسعه که توسط سازمان ملل متحد و کارشناسان آن سازمان نظریه پردازی شده است به تشکیل سازمان‌های محلی توسط اجتماعات محلی تأکید شده است تا این سازمان‌های غیردولتی محلی نقش فعالی در توسعه و اداره امور محلی بر عهده گیرند. جان ترنر از متخصصان و کارشناسان سازمان ملل متحد در امور مشارکت‌های مردمی نظریات عمده‌ای در این باب ارائه نموده است. وی با کارهای تحقیقاتی میدانی وسیع و نظریه‌پردازی‌های عمیق خود انواع مشارکت را به طور اصولی و علمی طبقه‌بندی کرده است. تحقیقات ترنر نشان می‌دهد که هنگامی دولت مرکزی در امور اجتماعات محلی دخالت می‌کند که هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی نهفته است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی توان و امکانات آن نیز از دست می‌رود (مطوف، ۱۳۸۲).

### نظریه مشارکت جیمز میجلی<sup>۲</sup>

میجلی بر اساس پاسخ دولت‌ها به مشارکت آن را به سه نوع تقسیم می‌کند:

الف) شیوه ضد مشارکتی: این عقیده معتقد به سرکوب مشارکت توده‌هاست. حکومت اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آن تعارض پیدا کند نمی‌دهند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳).

ب) شیوه مشارکت هدایت شده: در این شیوه دولت از مشارکت اجتماعات محلی همراه با انگیزه‌های پنهانی حمایت می‌کند. مشارکت اجتماع محلی، در این شیوه، به منظور کنترل سیاسی- اجتماعی، با علم به این که مشارکت، اجرای طرح را تسهیل می‌کند به کار می‌رود. در مجموع دولت‌ها با بهره‌گیری از شیوه‌های مشارکت هدایت شده اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

۱- استفاده ابزاری از مشارکت برای اجرای طرح‌های عمرانی

۲- کنترل جنبش‌ها و اجتماعات محلی

۳- استفاده از جاذبه‌های مشارکت برای کسب مشروعیت سیاسی- اجتماعی (حبیبی و رضوانی، ۱۳۸۴).

ج) شیوه مشارکت فزاینده: در این شیوه دولت، به طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق ایجاد سازوکارهایی برای ورود مؤثر اجتماعات محلی در تمام زمینه‌ها تلاش می‌کند. در این شیوه مشارکتی دولت، علاوه بر ایجاد نهاده‌های اصیل محلی، متعهد به فعالیت‌های مشارکتی از طریق آموزش و تقویت اجتماعات محلی، تدارک مواد و دیگر اشکال کمک و نیز ایجاد هماهنگی در تصمیمات مرکزی و منطقه‌ای و محلی می‌باشد (Midgley et al, 1986).

### نظریه میانجی‌گری<sup>۳</sup>

این نظریه که در سال ۲۰۰۴ در فضای فرهنگی ایتالیا مطرح شده و آن‌چه به آن تأکید فراوانی شده تفاوت قائل شدن میان مشارکت عمومی و مشاوره عمومی با برنامه‌ریزی مشارکتی و حرکت به سوی برنامه‌ریزی مشارکتی مبتنی بر اصول اساسی میانجی‌گری است (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴).

---

1-John Turner

2-James Midgley

3-Mediation



## نظریه دیوید دریسکل<sup>۱</sup>

دریسکل در اثر خود در سال ۲۰۰۲، شهرهایی بهتر با کودکان و نوجوانان (راهنمایی برای مشارکت) که توسط یونسکو به چاپ رسیده مباحثی در رابطه با مشارکت و انواع آن طرح می کند. وی معتقد است مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است:

- ۱- توسعه در وهله اول و پیش از همه باید به نفع ساکنان محلی باشد.
- ۲- مردمی که در محدوده برنامه ریزی زندگی می کنند دقیق ترین اطلاعات را درباره آن محدوده و موضوعات مرتبط با آن دارند
- ۳- مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می پذیرند سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم گیری دارند (حبیبی و رضوانی، ۱۳۸۴).

## طیف پنج مرحله ای بنیاد روونتری<sup>۲</sup> انگلستان (رهنمودهایی به مشارکت فعال)

این طیف پنج مرحله را از حالت مشارکت غیرفعال تا مشارکت فعال در تصمیم گیری و اداره امور نشان می دهد. با استفاده از این طیف می توان میزان مشارکت فعال را سنجید.

- الف) اطلاعات: صرفاً به مردم گفته می شود که چه طرحی تهیه شده است.
- ب) مشاوره و نظرخواهی: چند گزینه به مردم پیشنهاد می شود نظرات آنها شنیده ولی هیچ ایده جدیدی پذیرفته نیست.
- ج) تصمیم گیری با یکدیگر: تشویق و حمایت از ایده های جدید و فراهم آوردن فرصتهایی برای تصمیم گیری جمعی
- د) اقدام جمعی: افراد با منابع متفاوت در مورد اینکه چه چیزی خوب است تصمیم می گیرند و همکاری را به منظور انجام آن شکل می دهند
- ه) حمایت از منافع مستقل جامعه: به وسیله گروه های محلی یا سازمان هایی که سرمایه، ابزار و یا دیگر حمایت ها را به منظور اجرای وظایفشان تحت خطوط راهنما فراهم نموده اند (سید بکایی، ۱۳۷۸).

## پریتی<sup>۳</sup> و کورن وال<sup>۴</sup>

پریتی (۱۹۹۴) و کورن وال (۱۹۹۶) هفت سطح از مشارکت را ارائه نموده اند. با توجه به جدول (۲) خود انگیختگی در بالاترین سطح مشارکت قرار گرفته است که در تعریف آن اینگونه عنوان می شود: مردم خود مبتکر پروژه بوده، جهت منابع و کمک های فنی با نهادهای دیگر تماس می گیرند لیکن کنترل منابع پروژه را همچنان در دست خود حفظ می نمایند. در آخرین سطح جدول نیز پایین ترین سطح مشارکت فریب صوری نام گذاری شده است که در تعریف آن اینگونه است: به مردم گفته می شود که چه چیزی انجام خواهد شد بدون این که نظرات آنها خواسته شده و یا قدرتی در تغییر امور داشته باشند (حناچی، ۱۳۷۸).

---

1-David Driskell  
2-Rowentree  
3-Preity  
4-Cornwall



## جدول ۲: جمع بندی دیدگاه پریتی و کورن وال

<p>مردم خود مبتکر پروژه بوده جهت منابع و کمک‌های فنی با نهادهای دیگر تماس می‌گیرند لیکن کنترل منابع پروژه را همچنان در دست خود حفظ می‌نمایند.</p>	<p>خود انگیزختگی</p>
<p>مبتکر پروژه یک نهاد خارجی است که در ارتباط با مردم محلی فعالیت می‌نماید. مشارکت به عنوان یک حق شهروندی تلقی نشده تنها وسیله‌ای جهت رسیدن به اهداف پروژه نمی‌باشد. مردم در تحلیل مسائل، تدوین برنامه‌های اجرایی و تشکیل نهادهای اجرایی و مدیریتی مشارکت می‌نمایند. لذا مردم تأثیر زیادی بر نحوه استفاده از منابع دارند.</p>	<p>مشارکت تعاملی</p>
<p>مشارکت از سوی نهاد خارجی به‌عنوان وسیله‌ای جهت تحقق پروژه، بخصوص کاهش هزینه‌ها از طریق ارائه نیروی کار و مدیریت رایگان تلقی می‌شود. برای مثال مردم بعد از این‌که تصمیمات مهم از سوی نهاد خارجی گرفته شده و اهداف پروژه مشخص می‌شوند. جهت تحقق اهداف تعیین شده مشارکت می‌کنند. نهایتاً در چنین شیوه مشارکتی، مردم در جذب اهداف مورد نیاز نهاد خارجی اهداف خود دست می‌کشند.</p>	<p>مشارکت عملکردی</p>
<p>مردم تنها به واکنش نسبت به انگیزه‌های مادی مشارکت می‌نمایند (مثلاً در مقابل عرضه کار، پول و یا غذا دریافت نمایند).</p>	<p>مشارکت به خاطر انگیزه‌های مادی</p>
<p>نظرات مردم به منظور تعیین نیازها و اولویت‌هایشان گرفته می‌شود لیکن میزان جمع‌آوری اطلاعات و کنترل تحلیل‌ها بوسیله نهاد خارجی از طریق تشخیص مسئله و راه‌حل‌های مورد نظر معین می‌شود.</p>	<p>اطلاعات دهی و مشورت کردن</p>
<p>به مردم گفته می‌شود که چه چیزی انجام خواهد شد بدون این‌که نظرات آنها خواسته شده و یا قدرتی در تغییر امور داشته باشند.</p>	<p>مشارکت انفعالی</p>
<p>تظاهر به مشارکت است که انجام می‌پذیرد. بعنوان مثال نمایندگانی در هیئت‌های رسمی گماشته می‌شوند بدون اینکه این افراد انتخاب شده و یا قدرتی داشته باشند.</p>	<p>فریب‌جویی</p>

مأخذ: (حناچی، ۱۳۷۸).

## سطح بندی مشارکت مردم

حبیبی و رضوانی (۱۳۸۴) مشارکت مردم در اداره امور محلی خویش را سه سطح در نظر گرفتند. مشارکت سیاسی بالاترین سطح قدرت و اختیار را دارد و اغلب تصمیمات در این سطح کلی و کلان است. مشارکت شهری و محلی سطح پایین قدرت است و تصمیمات در این سطح اجرایی و عملیاتی است. مقیاس مشارکت سیاسی، کلان، مشارکت اجتماعی، عمدتاً میانی و گاه خرد و مشارکت محلی، خرد است. قلمروهای هر یک از انواع مشارکت نیز با هم متفاوت است. با این حال این قلمروها با هم اشتراکاتی نیز دارند. قلمرو اصلی مشارکت سیاسی، قدرت، مشارکت اجتماعی، فرهنگ، و مشارکت محلی، مکان است (شکل ۱).



شکل ۱. تمایز انواع مشارکت بر حسب قلمرو فعالیت؛ مأخذ: حبیبی و رضوانی (۱۳۸۴)





## عوامل مؤثر در مشارکت مردم

- اگر مشارکت را انگیزه و تلاشی داوطلبانه برای توأم کردن یا تلفیق توان افراد برای حل مشکلات مشترک بدانیم این انگیزه به دلایل زیر توسط فرد یا گروه در قالب مشارکت به انجام می‌رسد.
- ۱- کسب اطلاع درباره مواردی که فرد نسبت به آن احساس کمبود می‌کند
  - ۲- انتقال پیام یا اطلاعات لازم از طریق افراد به افراد دیگر
  - ۳- رفع ابهام و تبیین واقعیت‌ها
  - ۴- جلب همکاری فرد یا گروه
  - ۵- فراهم آوردن رضایت افراد برای همکاری با یکدیگر
  - ۶- تصمیم‌گیری گروهی با دیگران
  - ۷- تقسیم سود یا زبان ناشی از فعالیت گروهی و پذیرش
  - ۸- حفظ حقوق خود و دیگران (علم بیگی و همکاران به نقل از اوکلی<sup>۱</sup>، ۱۳۸۸).

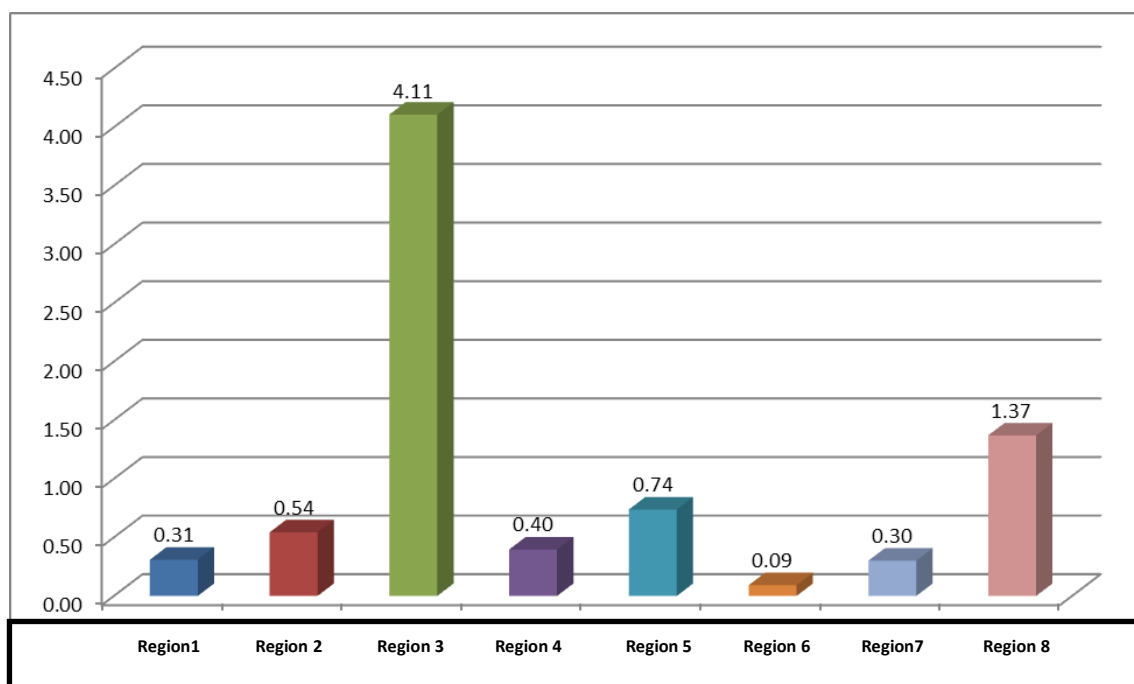
## توزیع فضاهای سبز در سطح مناطق اهواز

نگاهی به نقشه طبقه بندی مناطق شهر از حیث میزان سرانه فضای سبز و پراکندگی نشان می‌دهد که کاربری فضای سبز از توزیع بسیار نامتوازنی در سطح شهر برخوردار است. سرانه فضای سبز در مناطق شهر از ۳۱/۲۷ مترمربع (منطقه ۳) تا ۰/۷ مترمربع (منطقه ۶) متغیر می‌باشد. به عنوان مثال منطقه ۳ با ۳۱/۲۷ مترمربع از بیشترین سطح فضای سبز در شهر برخوردار است. در رده بعدی بیشترین میزان فضای سبز مناطق به منطقه ۸ با سرانه ۱۰/۴۳ مترمربع تعلق دارد (بهادری، ۱۳۹۵).

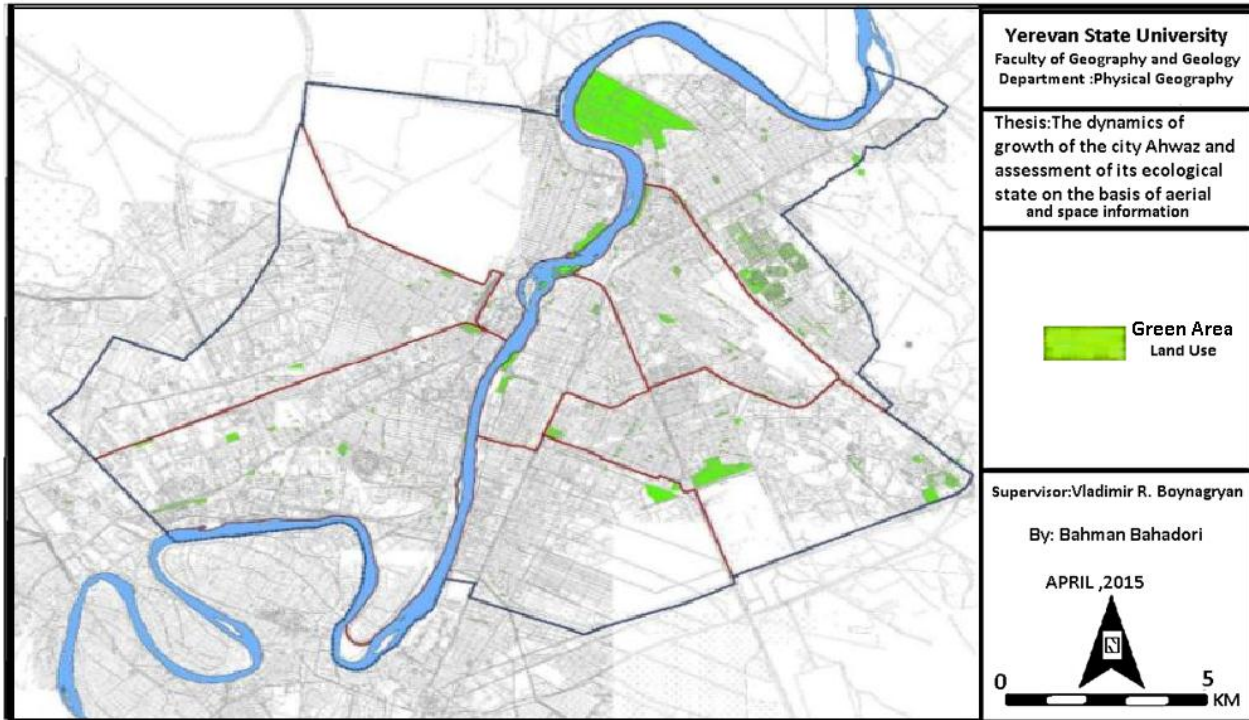
کمترین میزان سرانه فضای سبز در سطح شهر اهواز به مناطق ۶ و ۷ با ۰/۷ و ۲/۳ مترمربع تعلق دارد. جدول (۳)، نقشه (۱) و نمودار (۱) توزیع فضای سبز را در سطح مناطق شهر نشان می‌دهد. در میان مناطق شهر اهواز وزن فضای سبز تنها در مناطق ۳ و ۸ بیشتر از یک (شهر) است و سهم این کاربری در میان سایر مناطق بسیار پایین تر از شهر است. لازم به ذکر است که فضاهای سبز و پارک‌هایی که به صورت جزایری در میان رودخانه کارون واقع شده‌اند در سطح و سرانه فضای سبز مناطق محاسبه نشده‌اند ولی در سطح و سرانه فضای سبز شهر اهواز محسوب شده‌اند.

جدول ۳: مساحت و سرانه کاربری فضای سبز در مناطق شهر اهواز (منبع: طرح جامع شهری اهواز)

منطقه	مساحت (متر مربع)	سرانه (متر مربع)	ضریب مکانی
منطقه ۱	۲۸۲۰۷۷	۲.۳۵	۰.۳۱
منطقه ۲	۳۰۸۶۱۰	۴.۱۳	۰.۵۴
منطقه ۳	۴۳۵۴۶۵۷	۳۱.۲۷	۴.۱۱
منطقه ۴	۴۹۲۴۹۳	۳.۰۱	۰.۴۰
منطقه ۵	۲۵۹۱۸۹	۵.۶۲	۰.۷۴
منطقه ۶	۱۲۱۳۴۳	۰.۷۰	۰.۰۹
منطقه ۷	۳۴۱۱۲۶	۲.۲۹	۰.۳۰
منطقه ۸	۱۱۲۸۹۹۵	۱۰.۴۳	۱.۳۷
اهواز	۷۴۱۲۵۴۴	۷.۶۱	۱.۰۰



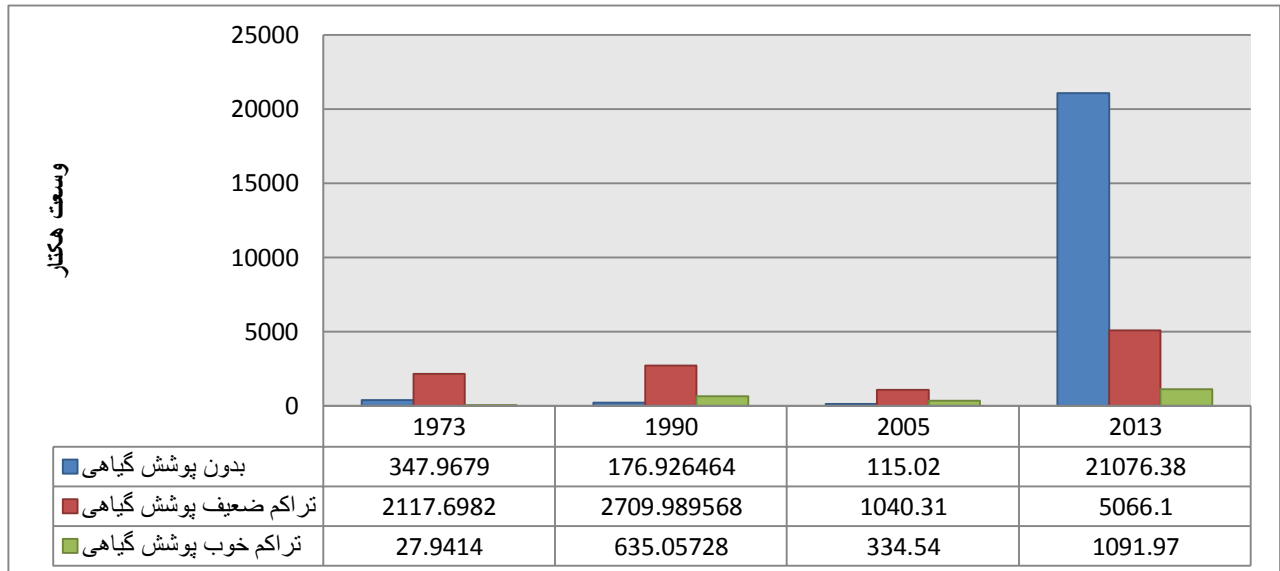
نمودار ۱: سرانه کاربری فضای سبز مناطق شهر اهواز (منبع: طرح جامع شهری اهواز)



نقشه ۱: پراکنش کاربری فضای سبز در مناطق شهر اهواز (منبع: طرح جامع شهری اهواز)

### ارزیابی شاخص پوشش گیاهی اهواز از سال ۱۹۷۳ تا ۲۰۱۳

ببررسی نمودار (۲) مشخص می شود که طبقه تراکم بالای پوشش گیاهی روندی افزایشی داشته که باتوجه به بازدیدهای میدانی در منطقه، مشخص شد که این طبقه دربرگیرنده پارک های ساحلی و فضای سبز شهری به منظور رفاه ساکنین شهر اهواز بوده است. شایان ذکر است که در بازه زمانی ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰ تراکم بالای پوشش گیاهی روندی به شدت صعودی داشته که می توان آنرا به سالهای پرآبی مرتبط دانست و پس از آن در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ روندی به شدت نزولی داشته که یکی از علل این روند نزولی را می توان مرتبط با این مسئله دانست که تاریخ برداشت تصاویر ماهواره ای موجود در این بررسی، فصل تابستان است و دیگر این که در بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ یک دوره خشک سالی وجود داشته است. با بررسی طبقه تراکم ضعیف پوشش گیاهی می توان به روند صعودی تغییرات در این منطقه، در این طبقه پی برد. همچنین طبقه تراکم ضعیف پوشش گیاهی در بین سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰ روندی افزایشی را داشته و پس از آن در بین سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۵ روندی نزولی را طی کرده که باتوجه به آنچه پیشتر گفته شد به سالهای خشک سالی برمی گردد (بهادری، ۱۳۹۵).



نمودار ۲: روند تغییرات شاخص پوشش گیاهی محدوده شهرداریین سالهای ۱۹۷۳ تا ۲۰۱۳ (منبع: نگارنده)

طبقه بدون پوشش گیاهی شامل اراضی مسکونی، اراضی مستعد برای رشد و توسعه می باشد. یکی از علل افزایش طبقه بدون پوشش گیاهی توسعه و آبادانی پس از سال های جنگ تحمیلی بوده است که منجر به مهاجرت ساکنین مناطق جنگ زده و مهاجرین سایر شهرهای استان و استان های همجوار به شهراوازشده است و افزایش جمعیت و متعاقب آن افزایش رشد و توسعه شهری به منظور ایجاد مناطق مسکونی، کارخانجات و امکانات رفاهی شهراوازدربین سالهای ۱۹۷۳ تا ۲۰۱۳ می باشد. جدول (۴) نیز میزان فاصله سرانه استاندارد را با وضع موجود به تفکیک مناطق هشتگانه شهری نشان می دهد.

جدول ۴: جمعیت کل مساحت مناطق، سرانه موجود فضای سبز و فضای سبز مورد نیاز به تفکیک مناطق هشتگانه در شهر اهواز

عنوان	منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵	منطقه ۶	منطقه ۷	منطقه ۸	جمع کل
مساحت فضای سبز منطقه به مترمربع	۷۱۵,۷۴۲	۳,۵۳۱,۸۸۰	۴,۳۵۸,۱۹۳	۹۵۷,۱۶۲	۱,۰۴۳,۲۳۳	۶۵۱,۱۳۷	۱,۲۸۶,۹۷۸	۱,۰۲۴,۹۰۸	۱۳,۵۶۹,۲۳۳
جمعیت منطقه	۱۱۶,۳۰۳	۸۲,۲۸۹	۱۶۳,۵۱۹	۱۸۲,۵۰۹	۱۷۱,۵۲۶	۲۱۴,۵۳۸	۱۶۴,۳۷۵	۱۲۰,۷۸۱	۱,۲۱۵,۸۴۰
سرانه موجود فضای سبز	۶,۱۵	۴۲,۹	۲۶,۶	۵,۲	۶,۰۸	۳,۰۳	۷,۸	۸,۴	۱۱,۱۶
سرانه استاندارد	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵
فاصله تا استاندارد	۱۸,۸۵	- ۱۷,۹	- ۱,۶	۲۰,۲	۱۸,۹۲	۲۲,۰۳	۱۷,۲	۱۶,۶	۱۳,۸۴

ماخذ: (نوشادی، ۱۳۹۰)



## نتیجه گیری

در باب اهمیت وجود فضای سبز شهری محققان، کارشناسان کشاورزی، جغرافیا، محیط زیست و همچنین پزشکان مقالات متعددی را منتشر کرده اند. برخی از پژوهشگران به تعبیری فضای سبز شهری را مصداق ریه شهرها دانسته اند. برهمگان نقش هایی که این عرصه ها می توانند برای اجتماع شهرنشین فراهم کنند آشکار است مواردی از قبیل: کاهش انواع آلودگی ها، جذب روان آب های سطحی، محل بازی کودکان، مأمن سالمندان، کارکردهای اقتصادی، مکانی برای جلوگیری از هم گسیختگی های اجتماعی، وجود ساختمانهای فرهنگی هنری و کتابخانه ها در این مکان ها، تولید میلیون ها تن اکسیژن و تزیین آن به هوای بیمار شهرها و مکانی برای تنوع ژنتیکی گیاهان و حیوانات همگی بخش های کوچکی از مزایای این عرصه های انسان ساخت هستند. متأسفانه با وجود حیاتی بودن نقش فضای سبز شهری به دلیل افزایش روز افزون جمعیت شهرنشینی و گسترش آلودگی های صنعتی شهرها شهرداری ها توان همساز کردن حجم جمعیت را با فضای سبز شهری ندارند. آمارها نشان می دهد اغلب شهرهای ایران دارای سرانه فضای سبز کمتر از میزان استاندارد جهانی اعلام شده هستند. در این راه به نظر می رسد تنها راه خروج از این بحران درگیر کردن ذهنی- فیزیکی شهروندان در طراحی، احداث، راه اندازی و نگهداری فضای سبز شهری باشد؛ زیرا ایشان استفاده کنندگان اصلی این عرصه ها هستند و می توانند نقش تخریبی و یا اصلاحی ایفاء نمایند لاجرم درگیر کردن آنها در این طرح ها باعث مشروعیت بخشیدن و ضمانت اجرای طرح ها خواهد شد. در این خصوص می توان مشارکت های مردمی را به چند دسته طبقه بندی نمود.

۱. مشارکت مالی

۲. مشارکت در امور فنی و طراحی

۳. مشارکت در ساخت

۴. مشارکت در حفظ و نگهداری

پژوهش های پیشین در زمینه مشارکت شهروندان در شهرسازی به ویژه فضای سبز شهری نشان داده که شهروندان به زمینه های مختلف مشارکت علاقه مند هستند (سپهوند و همکاران، ۱۳۸۹). عده ای علاقه مند به صرف هزینه و ممکن است عده ای دیگر برای مشارکت در کاشت درخت و توسعه فضای سبز راغب باشند. اینجاست که نقش مدیریتی شهرداری با تولید فضای سبز جهت سامان بخشیدن و استفاده بهینه از توان بالقوه مشارکت جویان نمود پیدا کرده و برابر با توان مدیریتی و به تبع آن برنامه ریزی مشارکتی از این توان بالقوه بهره خواهد برد. برای تدوین خط مشی مشارکتی سازمان پارکها و فضای سبز شهری شهرداری اهواز، منظور نمودن سیاست های کاری ذیل پیشنهاد می شود:

## پیشنهادات

۱. با توجه به رهیافت هایی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفتند؛ مشارکت های مردمی در فضای سبز شهری نوعی مشارکت اجتماعی مستقیم، خود انگیخته با سطح اجرایی محلی ارزیابی می شود. این نوع مشارکت می بایست با تسلط شهروندان صورت گرفته و به اقتضای نوع و دسته بندی مشارکت مورد نیاز، از بالاترین سطوح مراحل اطلاع رسانی، مقتدرسازی، مشاوره و مشارکت استفاده شود. به عبارتی از دیدگاه دریسکل شکل سهیم شدن در تصمیمات و در قالب تصمیم گیری با یکدیگر، اقدام جمعی و حمایت از منافع مستقل جامعه و به شکل کاملاً خود انگیخته صورت پذیرد.

۲. تشویق ساکنان محلات به تشکیل گروه های دوستدار طبیعت (همیاران سبز) و تعامل با نمایندگان سازمان پارکها و فضای سبز شهری به نمایندگی از ساکنان محله برای در دست گرفتن امورات مربوط به فضای سبز شهری.

۳. بنابر نظریه دریسکل بایستی بیشترین بازده طرح بایستی به نفع ساکنان محلی باشد و ایشان بیشترین اطلاعات را در زمینه طرح-ها و مسایل مرتبط با آن دارند بنابراین تشکیل جلسات با گروه های همیاران سبز برای طراحی پارکهای محله، تعیین نوع گیاهان و درختان زینتی به کار رفته همچنین نامگذاری پارکها توسط ساکنان محلی و امکان کسب درآمد فضای سبز شهری برای صرف در زمینه بهبود فضای سبز محلات در این عرصه ها برای جلب مشارکت مردمی عنصری ضروری به نظر می رسد.



۴. استفاده از مشارکت‌جویان محلات برای سرمایه‌گذاری، کار اجرایی و نگهداری از فضای سبز با برنامه‌ریزی و پیشنهاد گروه‌های همیاران سبز و ادواری کردن مشارکت ساکنان محل برای امور اجرایی پارک‌ها می‌تواند راهکاری برای بهبود کیفیت فضای سبز شده و به ساکنان محلات احساس مالکیت این عرصه‌ها را بدهد.
۵. یکی از اقبال دوستدار طبیعت سالمندان و بازنشستگان هستند که به اقتضای موقعیت سنی و زمان مازاد خود بسیار علاقه‌مند به انجام امور عملیاتی نگهداری از فضای سبز شهری از قبیل آبیاری، هرس، وجین و کاشت گل‌های فصلی هستند. بنابراین از وظایف مدیریت فضای سبز ایجاد شرایط مناسب برای بهره بردن از توان بالقوه قشر کهنسال شهر است لذا پیشنهاد بر این است همیاران سبز بیشتر از میان ایشان انتخاب گردند.
۶. یکی از دغدغه‌های نیمی از بافت جمعیتی جامعه یعنی بانوان، فقدان امنیت لازم تفریح و ورزش کردن در پارک‌هاست. ایجاد فضای-سبز مخصوص برای استفاده بانوان محلات از راهکارهای تضمین مشارکت این بافت جمعیتی تشکیل دهنده محلات است.
۷. از آموزش به عنوان زمینه افزایش توانمندی شهروندان یاد می‌شود. بنابراین سازمان پارک‌ها بایستی بکوشد با برگزاری کلاس‌های آموزشی پرورش گل و گیاه در پارک‌ها برای آموزش ساکنان محلات پیش زمینه‌های مشارکت شهروندان را در زمینه فضای سبز شهری محیا سازد.
۸. درب منازل محل خوبی جهت کاشت درختان هستند و می‌توانند علاوه بر فراهم آوردن خدمات زیست محیطی موجب زیباسازی محلات شوند. در این زمینه سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهری شهرداری اهواز در تاریخ‌های خاص مانند روز درختکاری می‌بایست توان خود را برای اهداء گل و گیاهان به شهروندان به کار ببرد. با کاشت درختان در محیط منازل شهرداری به سرانه مطلوب فضای-سبز نزدیک شده و با ادامه روند نگهداری از این مواضع توسط شهروندان، از هزینه‌های جاری شهرداری کاسته خواهد شد.

## منابع و ماخذ

- احمدی، عاطفه، ۱۳۹۰، ارائه الگوی بهینه مکانیابی فضای سبز شهری با استفاده از GIS و روش AHP - منطقه مورد مطالعه: منطقه ۷ شهرداری اهواز، فصل نامه آمایش محیط، شماره ۱۵
- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۳، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی، نشرنی، تهران
- ایران‌منش، یعقوب، جهانبازی، حسن. طالبی، محمود، ۱۳۸۵ الف، نقش آموزه‌های مذهبی در فرهنگ‌سازی توسعه فضای سبز شهری، مجموعه مقالات دومین همایش ملی فضای سبز شهری، تبریز
- ایران منش، یعقوب، جهانبازی، حسن، مردانی بلداجی، ابراهیم، ۱۳۸۵ ب. نقش مشارکت مردمی در توسعه فضای سبز شهری: بررسی علل موفقیت کشور چین در جلب مشارکتهای مردمی در زمینه حفظ و توسعه فضای سبز شهری، مجموعه مقالات دومین همایش ملی فضای سبز شهری، تبریز
- بیران، صدیقه، ۱۳۸۲، سازمان ملل متحد (برنامه اجرایی ژوهانسبورگ ۲۰۰۲)، سند اجلاس جهانی توسعه پایدار، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست. تهران
- بهادری، بهمن، ۱۳۹۵، تحلیل اکولوژی (شهری- گیاهی) کلانشهر اهواز با استفاده از NDVI برگرفته از تصاویر ماهواره ای، اولین کنفرانس سالانه علمی - تخصصی مهندسی عمران، معماری، شهرسازی و علوم جغرافیا در ایران باستان و معاصر
- پناهی، محمدحسین، یزدان‌پناه، لیلا، ۱۳۸۳، اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی، مجله جامعه شناسی و علوم



اجتماعی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۶

حبیبی، سیدمحسن، سعیدی رضوانی، هادی، ۱۳۸۴، شهرسازی مشارکتی تمایز مفهومی و ارزیابی تجربیات ایرانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران

حسینی، سیده وحیده، انوشه، منیره. احمدی، فضل اله، ۱۳۷۸، بررسی تأثیر مشارکت نوجوانان بر جمع آوری و دفع بهداشتی زباله توسط خانواده‌ها، نشریه دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران (دو ماهنامه پرستاری ایران)، دوره ۲۱(۵۵)

حناچی، سیمین، ۱۳۷۸، شهرسازی مشارکتی: مشارکت مردمی در برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت شهری UMP، سازمان پارک ها و فضای سبز، تهران

سپهوند، احسان، محمدرضایی، رسول، حیاتی، باب اله، ۱۳۸۹، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در حفظ و نگهداری از فضای سبز شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه کشاورزی، دانشگاه تبریز.

سعیدی رضوانی، هادی، ۱۳۸۴، شهرسازی مشارکتی، مطالعه موردی قلعه آبکوه مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه شهر-سازی، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران

سیدبکایی، سیدجواد ۱۳۷۸، شناخت و تحلیل نقش عنصر مشارکت در روند بهسازی بافت‌های فرسوده شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

شریفیان ثانی، مریم، ۱۳۸۰، مشارکت شهروندی حکم‌روایی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸

شمسایی، ابراهیم، ۱۳۸۰، تحلیلی بر جایگاه NGO ها در بهینه سازی مصرف آب کشاورزی، مجموعه مقالات اولین همایش مقابله با بحران آب کشور، دانشگاه زابل

طوفان، سحر، ۱۳۸۶، شهروند- هویت- منظر شهری، ماهنامه پیام سبز، سال ششم، شماره ۵۸

علم بیگی، امیر، ظریفیان، شاپور، آقاپور، شهلا، ۱۳۸۸، تعیین عوامل مؤثر بر نگرش دامداران عضو تعاونی گاوداران شهرستان همدان به مشارکت در تشکیل و اداره سازمان‌های کشاورزان، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۰، شماره ۱

فیاض مهر، علی، ۱۳۸۵، مقدمه‌ای بر نقش و جایگاه فضای سبز شهری در طرح‌های توسعه شهری، مجموعه مقالات دومین همایش ملی فضای سبز شهری، تبریز

مصطفی پور، کامبیز، ۱۳۸۵، موانع مشارکت شهروندان در اداره شهر و محله، مجموعه مقالات دومین همایش ملی فضای سبز شهری، تبریز

مطوف، شریف، ۱۳۸۲، برنامه‌ریزی، توسعه و مشارکت مردم، پگاه حوزه. شماره ۱۰۷

مطیع حق شناس، نادر، ۱۳۸۵، نقش مشارکت‌های مردمی و فرهنگ‌سازی در توسعه فضای سبز شهری. مجموعه مقالات دومین همایش ملی فضای سبز شهری، تبریز

نوشادی، ابراهیم، ۱۳۹۰، چالش‌های مدیریت شهری در کلانشهر اهواز، جلد سوم (حوزه خدمات شهری)



یعقوبی، جعفر، شمسایی، ابراهیم، خسروی پور، بهمن، ۱۳۸۶، بررسی عوامل مؤثر در جلب مشارکتهای مردمی طرحهای آبخیزداری حوزه آبخیز زنگان رود. مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی علوم مهندسی آبخیزداری ایران (مدیریت بلایای طبیعی)، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

- Altunkasa, M E. Uslu, C. (2004). The effects of urban green space on house price in the upper northwest urban development (Turkey). Turk J Agric For. 28. 203-209.
- Anonymous. (1994). The world bank and participation. Washington DC. Available at: <http://WWW.Worldbank.Org./Participation> Accessed November2004.
- Anonymous. (2009). Tree consultants. UK. Sound barriers.The use of trees and shrubs to reduce noise. Available at :<http://hellis.biz/soundbarrierstheuseoftreesandshrubstoreducenoise.aspx>.
- Anonymous. (2009). United States Environmental Protection Agency.Available at: <http://WWW.epa.gov/oecaerth/environmentaljustice/>.
- Aronstein, RS . (1969). A ladder of citizen participation. JAIP. 35. 4.216-224.
- Halle, F. (2005). Critical elements in sustaining participatory planning. Bagamoyo strategic urban development planning frameworkin Tanzania.habitat International.29. 37-161.
- Lay Ong, B. (2003). Green plot ratio: An ecological measure for architecture and urban planning. Landscape and Urban Planning. 63. 197-211.
- Makhelouf, A. (2009). The effect of green space on urban climate and pollution. Iran. J. Environ, Health, Sci, Eng. 6.35-40.
- Midgley, J [Andet al]. (1986). Community participation.Social development and the state.Methuen. London.
- Roseland, M . (1998). toward sustainable communities.Resources for citizens and their governments. New Society Publishers. Gabriela Island. BC.
- Taylor,J .Wilkinson,D . Cheers, B . (2006). Community participation in organizing rural general practice. Is it sustainable. Australian Journal of Rural Health.14.144-147.
- Von Haaren, C . (2002). Landscape planning facing the challenge of the development of cultural landscape. Landscape and Urban Planning. 60. 73-80.